

از لفاظی تا صحافی، بی ذکر مأخذ

○ احمد رضا دالوند

○ از طراحی تا صحافی
○ مؤلف و گردآورنده: فریدون آذریون
○ ناشر: آذریون
○ چاپ اول / ۱۳۷۸

کتاب با یک مقدمه چهار صفحه‌ای آغاز می‌شود، که تعریف اجمالی گرافیک به لحاظ لغوی و گرافیک قبل و بعد از صنعت چاپ، و استنباط و تعریف جدید از هنر گرافیک را شامل می‌شود، مطالب کتاب در ۷ بخش به قرار زیر آمده است:

فصل یک: هنر گرافیک

شامل تعریف گرافیک، پیدایش هنر گرافیک در ایران، پوستر، انواع پوستر، عواملی که در ساختن یک پوستر به کار گرفته می‌شود، جهت پوستر، آرم، مثلث، مثلث متساوی‌الاضلاع، تقسیم‌بندی کلی نشانه‌ها، تمبر، ویژگی‌های تمبر از لحاظ طراحی، صفحه‌آرایی، انواع صفحه‌آرایی، انواع حروف و جلدسازی می‌شود. که به اجمال و مختصر به شرح هریک از عناوین یادشده می‌پردازد.

در صفحه ۴۲ نکته مهمی درباره صفحه آرایی ذکر شده که عیناً نقل می‌شود: «در کار صفحه‌آرایی زیبایی شرط اول نیست، اول دستور کار و دوم زیبایی است که زیبایی صفحه در همان محدوده نوع سفارش (تعداد تصاویر، میزان مطلب و...) و همچنین محدوده فنی باید رعایت شود.»

نادیده گرفتن نکته یادشده مانند آن است که در یک ارکستر، نت‌ها (یا همان دستورکار) راهنمای اجرای نوازندگان نبوده و هرکس ساز خود را بزند. ذکر این نکته مهم در یکی دو سطر و عبور شتابزده از روی آن، توضیحات کتاب درباره صفحه‌آرایی را بی‌اعتبار



جلوه می‌دهد. چرا که تشریح نکات فنی از قبیل تعیین فواصل متن از حواشی (پاشوره)، یا انواع حروف، ترام و... امری است که به هر طریق پرداختن به آن به سادگی میسر است.

ای بسا افراد یا تیم‌هایی که موارد فنی کار صفحه‌آرایی را می‌شناسند، اما به این نکته کلیدی که «دستورکار» بر «زیبایی صرف» ارجح است، واقف نیستند. نتیجه همان می‌شود که در اکثر نشریات و کتاب‌ها می‌بینیم. می‌خواهم بگویم تجربه فنی زمانی که با تفکر سیستمی و طبقه‌بندی تخصص‌ها همراه باشد، ثمره نیکو خواهد داشت. «دستور کار» در واقع همان قالب اولیه uniform نشریه است که توسط مدیر هنری طراحی و پی‌ریزی می‌شود. و صفحه‌آرا منطبق با آن دستور کار، می‌بایستی لحن و روحیه نشریه یا

کتاب را پیاده کند.

فصل دو: انواع گرافیک

در صفحه ۴۷ نویسنده یک تقسیم‌بندی دوازده قسمتی برای انواع گرافیک ذکر می‌کند:

- ۱- گراف ۲- دیاگرام ۳- چارت ۴- علائم و سمبل‌ها ۵- پوستر ۶- بروشور ۷- ایلوسترسیون ۸- گرافیک انتشارات ۹- گرافیک محیطی ۱۰- گرافیک تلویزیون ۱۱- گرافیک سینما ۱۲- انیمیشن

که خیلی سردستی و فهرست‌وار به شرح هر کدام می‌پردازد. توضیحات نگارنده درباره گراف (نمودار) با تأمل بیشتر و شرح دقیق‌تری است که خالی از جذابیت نیست. توضیحات نویسنده درباره بروشور، ایلوسترسیون، گرافیک محیطی، گرافیک سینما و انیمیشن بسیار الکن و نادقیق است.

جالب اینجاست که در کتاب نسبتاً قطوری که عنوان «از طراحی تا صحافی» را بر خود دارد، درباره ایلوسترسیون فقط ۵ سر آن هم به شیوه کلی گویی، ذکر شده است. درباره ایلوسترسیون توضیحاتی در فصل هفت که مربوط به گرافیک محیطی است ذکر شده که شأن نزول آن را نتوانستیم تشخیص دهیم.

یا مثلاً درباره بروشور در صفحه ۴۹ چنین آمده است: «بروشور نوعی وسیله ارتباطی است که وقتی صاحب شرکت یا مؤسسه‌ای می‌خواهد در مورد فعالیت خود اطلاعات خلاصه شده و کلیدی را در مواقع مقتضی عرضه کند از آن استفاده می‌نماید.»

ذکر توضیحی الکن و نامفهوم، در حد کمتر از ۳ سطر در کتابی با قطر ۴۴۷ صفحه، درباره بروشور، یعنی پرداختن به یکی از موارد بسیار مهم در طراحی گرافیک.

فصل سه: پوستر

فصل سوم مشتمل بر دو برگ یا چهار صفحه است.

و اطلاعات پراکنده و گهگاه ناقص و گهگاه راجع به پوستر را در خود جای داده است. در صفحه ۶۹ زیرعنوان «جاذبه مخصوص در پوسترچیست» در بند (۳) چنین آمده است: «پوستری که بیننده را به تعطیلات زمستانی در منطقه آفتابی دعوت می‌نماید باید از لحاظ رنگ‌آمیزی نشانگر راحتی - خوشدل و جذابیت باشد.»

در صفحه ۷۰ در باب استفاده از رنگ و خط در پوستر، می‌خوانیم:

«استفاده صحیح در مناسب‌ترین حالت و موقعیت یعنی در رابطه با شکل و محتوای اثر.»

چند سر پایین‌تر در همین صفحه، مراحل اصلی پیشبرد طراحی یک پوستر را برمی‌شمارد:

«۳- نتایج گوناگون اشکال حروف‌گذاری و ارتباط تصویری.»

طرز نگارش نامفهوم نویسنده، حتی برخی توضیحات بسیار واضح و آشنا را نیز بغرنج جلوه می‌دهد.

فصل چهارم: صفحه‌آرایی

این فصل با یک توضیح مجاب‌کننده از طریقه صفحه‌آرایی کتب قدیمی آغاز می‌شود و در صفحه ۷۴ به بررسی شکل صفحه‌آرایی امروزی می‌رسد. نکات و دستورالعمل‌های فنی و هنری درباره صفحه‌آرایی، مقوله‌ای نیست که بتوان بدون تصاویر تکمیلی، برای خواننده تشریح کرد. حتی می‌خواهیم بگویم، صرف به‌کارگیری تصاویر برای سهولت در فهم مطالب کافی نیست. و باید برخی صفحات مجلات، روزنامه‌ها و کتب را ضمیمه مطلب کرده و به تحلیل ساختاری صفحه و تشریح هندسه صفحه پرداخت. وگرنه آوردن این نکته که: «باتوجه به اینکه نشریات مطالب کمتری نسبت به کتاب دارند و مدت استفاده آنها نیز کوتاهتر است لذا طراح موظف است که راه‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهد.» (ص ۷۵)، چه اطلاعاتی را به خواننده منتقل می‌کند؟ یا در همین صفحه کمی بالاتر آمده است: «در صفحه‌آرایی نشریات، به علت محدودیت‌های مختلف بایستی فکر نو و ایده‌ای نو مطرح گردد.» نویسنده با آوردن این جملات می‌خواهد، خواننده را به خیال‌پردازی وادارد؟ یا طرز دیدن و فهمیدن بصری را برایش تحلیل کند؟

صفحه ۷۶، زیرعنوان «عوامل مؤثر در طراحی و صفحه‌آرایی خوب»، عناصر مرتبط به هم در یک صفحه‌آرایی خوب را برشمرده است: تناسب، تعادل (مبتقارن، نامبتقارن)، کنتراست، ریتم، وحدت، هارمونی... مطالعه این نکات برای خواننده تازه‌کار و علاقه‌مند، بی‌نتیجه و برای خواننده حرفه‌ای و باتجربه کسل‌کننده است. چرا که صفحه‌آرایی وجه بصری مطبوعات است و غالباً شرح انتزاعی و کلامی یک مقوله کاملاً بصری، خیلی میل خواندن را در مخاطب برمی‌انگیزد. هریک از عوامل مؤثر در صفحه‌آرایی، از قبیل تناسب، تعادل، کنتراست،...

می‌توانست با تصاویر مستند و مناسب به نحو مؤثرتری برای خواننده قابل فهم شود.

در صفحه ۷۸ به مسئله «مدولاسیون یا واحدبندی» اشاره شده که با یک گراف ساده می‌توانست ذهن خواننده را به طور عملی متوجه مفهوم مدولاسیون بکند.

در همین صفحه به «موقعیت تصاویر در صفحه» پرداخته شده که تنها با درج تصاویر مستند می‌توانست توضیحات نویسنده را برای خواننده جذاب و مجاب‌کننده، جلوه دهد.

در صفحات ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲ و ۸۳ نکات خواندنی و مهمی درباره تیترو نحوه قرار گرفتن تیترو در صفحه، انواع تیترو تصویری، تیپوگرافی و... آمده است. اما گویی، نویسنده این نکات را بدون توجه به خواننده جوانی نوشته است که علاقه‌مند به این مقولات است. باور بفرمایید، اکثر آریاب‌جراید، سردبیرها، خبرنگاران و طراحان گرافیک نیازمند آنند که این مقولات را به درستی بشناسند. ردیف کردن عناوین پشت سر هم و تفکیک مفاهیم به ۱ و ۲ و ۳ و... گره‌ای از مشکل علاقه‌مندان باز نمی‌کند. درک این مقوله با تشریح تصاویر کمک‌کننده و نمونه‌های واقعی از مطبوعات ایرانی و خارجی میسر است.

در صفحه ۹۵ در محثی تحت عنوان «نام مجله» آمده است:

«نام مجله الزاماً نباید خطی خوانا و کاملاً آشکار روی جلد چاپ شود بلکه این نام در واقع یک علامت تجارتي و یک نشانه است که بایستی مشخص و به آسانی قابل شناسایی و جالب باشد.»

این تعریف به هیچ وجه صحیح و دقیق نیست. اولین اصل در طراحی یا خطاطی نام مجله «خوانا» بودن آن است. در اینجا زیبایی فرع بر خوانا بودن است و تنها با تسهیل درخوانایی می‌توان زیبایی‌شناسی یک «نشانه» نوشته را ارزیابی کرد.

فصل پنجم: نشانه‌ها

در این فصل، نکته خاصی که در سایر منابع نیامده باشد، دیده نمی‌شود. ای بسا آثار برخی اساتید در زمینه ارتباطات، به تفصیل موضوع نشانه‌ها را کاویده باشد، که خواننده را از خواندن این فصل معاف می‌سازد.

فصل ششم: تابلوها

این فصل ۵ صفحه‌ای فهرستی از بایدها و نیایدها و توضیحاتی است که کاملاً سطحی است. برای مثال در صفحه ۱۴۳، زیرعنوان «نقش گرافیک در امر تابلوهای شهری» چنین می‌خوانیم:

«اراده تابلوها در قالب بیان صحیح از موضوع همراه با اصول زیبایی‌شناسی»
و در صفحه ۱۴۵، زیرعنوان «انواع تابلوهای شهری» می‌خوانیم:

«تابلوهای پولکی شبرنگ فلزی که از یک سری

اجزاء لگومانند از پیش ساخته تهی می‌گردد.»

فصل هفتم: گرافیک محیطی

در این فصل ۲۰ صفحه‌ای تحت عنوان گرافیک محیطی، تنها با چند سطر پراکنده به گرافیک محیطی اشاره می‌کند. اما در سایر سطور و صفحات، برخلاف انتظار به تصویرسازی کتاب کودک و انواع روش‌ها و تکنیک‌های آن می‌پردازد.

بخش دو: خط

فصل یک: خصوصیات بصری خط

در صفحه ۱۸۳، زیرعنوان «خصوصیات بصری خط کوفی» چنین آمده است:

«زاویه‌دار بودن خطوط تداعی‌کننده معماری که خود نشانه ثبات و استواری است می‌باشد.»

در همین صفحه می‌خوانیم:

«قاطعیت دارد زیرا نگاه و گردش چشم در آن به صورت بریده و مقطع است.» وقتی کتاب «از طراحی تا صحافی» را به دست گرفتیم و به قصد خواندن آن را مقابل خود گذاشتیم، یک اندیشه در سر داشتیم، و آن نقد و تحلیل محتوای این کتاب بود. اما عبور از سنگلاخ جملات و پاراگراف‌های کتاب، امکان نقد را ناممکن، و کار را به نکته‌سنجی و یادآوری ساده‌ترین اصول جمله‌نویسی کشاند. باید پرسید که نویسنده این جملات چگونه به فکر نوشتن و گردآوری کتابی با این همه تعدد موضوع، افتاده است؟

فصل دو: سبزی در خطوط اسلامی

گردآورنده، چهل و یک صفحه مطلب درباره سبزی در خطوط اسلامی بدون ذکر مأخذ در این فصل گردآورده است. در سایر بخش‌ها و فصل‌های کتاب به مقولاتی چون: کاغذ، حروفچینی، لیتوگرافی و چاپ پرداخته شده و حدود ۲۰۰ صفحه مطالب از منابع مختلف جمع‌آوری شده و بدون ذکر مأخذ در لابه‌لای کتاب صحافی شده است.

این کتاب ۴۴۷ صفحه‌ای، شامل ۴۲۷ صفحه مطلب درباره گرافیک، خط، کاغذ، حروفچینی، لیتوگرافی و چاپ است و تنها ۲۰ صفحه به صحافی اختصاص دارد. ۱۸ صفحه از این ۲۰ صفحه مطالب گردآوری شده درباره صحافی سنتی از قبیل جلد ضربی یا مشتته‌ای یا کوبیده، مرقش، تیماج، لولادار، ساغری و... است و تنها یک صفحه در انتهای کتاب به انواع صحافی‌های امروزی پرداخته، که آن هم چیزی به اطلاعات خواننده نمی‌افزاید.

نگارنده کتاب حتی فهرست منابع خود را، به رسم رایج نشر، در اختیار خواننده قرار نداده است. و خواننده علاقه‌مند را ناگزیر به دریافت اطلاعات از طریق مجموعه‌ای مغشوش کرده است.